

مسئله: عمل به عام قبل از فحص از مخصص

مرحوم آخوند می‌نویسد:

«هل يجوز العمل بالعام قبل الفحص عن المخصص فيه خلاف و ربما نفى الخلاف عن عدم

جواز بل ادعى الإجماع عليه»^۱

توضیح:

۱. از غزالی و آمدی نقل شده است که بین فقها هیچ اختلافی نیست که نمی‌توان قبل از فحص از مخصص، به عام مراجعه کرد.^۲

۲. بلکه [بالاتر از نفی خلاف ادعا شده] مرحوم شیخ از نه‌ایة الوصول علامه حلی نقل می‌کند که ایشان در فرض مذکور، «عدم جواز رجوع به عام» را اجماعی دانسته است.

ما می‌گوییم:

۱. صاحب قوانین مدعی است که جمعی از علما بر «عدم جواز تمسک به عام بدون فحص» ادعای اجماع کرده‌اند.

محشی این کتاب، این اجماع را ادعای حاجبی و وحید بهبهانی دانسته است.^۳

۲. مرحوم وحید بهبهانی در الفوائد الحائریة می‌نویسد: «فلا يجوز العمل بالعام قبل الفحص اجماعی»^۴

۳. ارجاع به نه‌ایه، از ناحیه مرحوم شیخ انصاری در مطارح الانظار است:

«الحق كما عليه المحققون عدم جواز الأخذ بالعام قبل الفحص عن المخصص و ربما نفى الخلاف

فيه كما عن الغزالي و الآمدي بل ادعى عليه الإجماع كما عن النهاية و حكي عن ظاهر التهذيب

اختيار الجواز و تبعه العميدي و المدقق الشيرواني و جماعة من الأخبارية منهم صاحب الوافية

و شارحها و مال إليه بعض الأفاضل في المناهج و حكي عن بعضهم أن مراد القائل بالجواز

وجوب الاعتقاد بالعموم واقعا حتى يظهر المخصص فيحكم بكونه ناسخا اللهم إلا أن يكون مراد

البعض من لم نقف على كلامه و نقل التفصيل بين ضيق الوقت فالجواز و بين عدمه فالمنع عن

بعض و قيل إنه مبني على جواز تأخير البيان عن وقت الخطاب و هو على تقدير صحته مما

ينادي كلام المجوز بخلافه»^۵

۱. كفاية الاصول، ص ۲۲۶

۲. ن. ك: مطارح الانظار، ج ۲، ص ۱۵۷

۳. القوانين المحكمة، ج ۲، ص ۷۲

۴. الفوائد الحائرية، ص ۲۰۱

۵. مطارح الانظار (ط-قديم)، ص ۱۹۷



توضیح:

۱. آمده و غزالی و [علامه در] نهاییه می‌گویند نمی‌توان قبل از فحص به عام رجوع کرد
۲. اما [علامه در] تهذیب الوصول و عمیدی و شیروانی و گروهی از اخباری‌ها (مثل فاضل تونی، صاحب وافیه و شارح وافیه و صاحب مناهج الاحکام و الاصول یعنی احمد نراقی) گفته‌اند می‌توان به عام قبل از فحص رجوع کرد.
۳. [صاحب مناهج از ابوحنیفه و کرخی] نقل کرده است که مراد از جواز رجوع آن است که مجتهد باید به عام معتقد باشد و اگر خاص ظاهر شد، بگوید خاص ناسخ است.
۴. [اللهم: البته این سخن ابوحنیفه و کرخی درست نیست ولی] این مطلب شاید مراد کسانی باشد که ما به عبارت آنها دسترسی نداریم.
[ما می‌گوییم: مرحوم صاحب معالم این قول را به گونه دیگری تصویر می‌کند و از قول برخی، قائلین این قول را دارای غباوه (کودنی) بر می‌شمارد:
«وربما قيل إن مراد قائله: أنه قبل وقت العمل وقبل ظهور المخصص، يجب اعتقاد عمومه جزما، ثم إن لم يتبين الخصوص، فذاك، والا تغير الاعتقاد.
وينقل عن بعض العلماء أنه قال - بعد ذكره لهذا الكلام عن ذلك القائل -: " وهذا غير معدود عندنا من مباحث العقلاء ومضطرب العلماء. وإنما هو قول صدر عن غباوة واستمرار في عناد."»^۱
۵. برخی هم بین ضیق وقت و سعه وقت فرق گذاشته‌اند (و این تفصیل از نراقی نقل شده است)
۶. برخی [نراقی در مناهج] نیز گفته‌اند که این بحث مبتنی بر بحث دیگری است:
۷. اگر گفتیم «تأخیر بیان از وقت خطاب» جایز است، باید فحص شود و اگر تأخیر بیان از وقت خطاب جایز نیست، بدون فحص می‌توان به عام رجوع کرد.
۸. اما اگر چنین قولی موجود باشد (که بحث را مبتنی بر آن مبنا کرده باشد)، می‌توان گفت که این ابتناء غلط است چرا که مجوزین (که بدون فحص اجازه رجوع به عام می‌دهند) حتی در صورتی که تأخیر بیان از وقت خطاب جایز باشد هم اجازه رجوع به عام می‌دهند.
ما می‌گوییم:

۱. معالم، ص ۱۱۹



۱. برخلاف آنچه مرحوم شیخ در مطراح به «نهایه» نسبت داده‌اند (و ظاهراً مراد نهایه الوصول نوشته علامه حلی است)، در این کتاب نه تنها ادعای اجماع وجود ندارد بلکه ظاهر عبارت ایشان به گونه‌ای است که گویی «قول به جواز» را قول اصلی برمی‌شمارد. ایشان می‌نویسد:

«الخلاف هنا مع ابن سريج فإنه قال: لا يجوز التمسك بالعام ما لم يستقص في طلب المخصص، فإذا لم يوجد بعد ذلك مخصص، جاز التمسك به. و قال الصيرفي: يجوز التمسك به ابتداء، ما لم تظهر دلالة مخصصة. و الأقرب الأول.»^۱

۲. مرحوم صاحب معالم می‌نویسد که اگرچه برخی از علما (ظاهراً ابن حاجب^۲) موضع نزاع را چنین فرض کرده‌اند که گفته شد، ولی برخی به گونه دیگری نزاع را تصویر کرده‌اند:

«إن العمل بالعموم قبل البحث عن المخصص ممتنع إجماعاً. وإنما الخلاف في مبلغ البحث. فقال الأكثر: يكفي بحيث يغلب معه الظن بعدم المخصص، وقال بعض: إنه لا يكفي ذلك، بل لابد من القطع بانتفائه.»^۳

۳. مرحوم صاحب معالم سپس می‌نویسد، در هر دو موضع، نزاع جاری است.

۴. عبارت علامه در تهذیب الوصول (که از آن استفاده کرده‌اند که علامه در این کتاب، قائل به جواز رجوع به عام قبل از فحص است) چنین است:

«و لا يجب في الاستدلال بالعام استقصاء البحث في طلب المخصص، و إلا لما جاز التمسك بالحقيقة إلا بعد الاستقصاء في طلب المجاز. احتج ابن سريج ب: أنه على تقدير وجوده لا يصح التمسك بالعام في جميع موارد، فيكون عدمه شرطاً، و الجهل بالشرط يقتضى الجهل بالمشروط. و الجواب: يكفي في العدم الظن.»^۴

۱. نهایه الوصول، ج ۲، ص ۲۳۰

۲. حاشیه وافیه، ج ۲، ص ۱۹۹

۳. معالم، ص ۱۱۹

۴. تهذیب الوصول، ص ۱۳۸



روشن است که مراد علامه در این عبارت آن نیست که تفحص لازم نیست بلکه مراد ایشان آن است که لازم نیست تفحص به اندازه‌ای باشد که باعث «یقین به عدم مخصص» شود و لذا اختلاف علامه در تهذیب و نهایتاً، مربوط به میزان فحوص است و نه اصل فحوص.

ما می‌گوییم:

با توجه به آنچه گفتیم بحث در دو مقام قابل طرح است:

مقام اول: آیا بدون فحوص از مخصص می‌توان به عام مراجعه کرد.

مقام دوم: چه مقدار فحوص از مخصص برای رجوع به عام لازم است.

